

بررسی روند رشد صنعت در اقتصاد ایران با تأکید بر نقش تجارت خارجی

دکتر حمید رضا برادران شرکاء* بیژن صفوی**

چکیده

این بررسی، با تحلیل روند رشد صنعتی در ایران با توجه به تجارت خارجی، در مقاطع مختلف زمانی، از دوره قبل از ملی شدن صنعت نفت تا برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی پس از انقلاب، نتیجه می‌گیرد که اقتصاد ملی از درآمدهای نفتی به عنوان مهمترین عامل تبعیت می‌نماید که این درآمدها از سه طریق رشد صنعتی - اقتصادی را متأثر می‌سازد. این مقاله نشان می‌دهد به رغم اینکه سیاستهای بازرگانی در اقتصاد ایران عمدتاً در جهت صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات بوده است ولی به دلایل متعددی، جایگزینی واردات در ایران نه تنها به تکامل نرسیده است بلکه منجر به تخصیص غیرکارای منابع و زیان اجتماعی شده است. این مقاله در زمینه عملکرد صادراتی کشور نشان می‌دهد که صادرات صنعتی متناسب با نیازهای اقتصادی کشور توسعه پیدا نکرده است و صادرات غیرنفتی همچنان متکی به محصولات و کالاهایی است که به طور سنتی و در طی قرون گذشته بازارهای معین و نسبتاً مطمئن را در سطح جهانی دارا بوده است.

* عضو هیأت علمی و رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

** پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

مقدمه

در بررسی‌های مربوط به تعیین نقش صادرات در رشد صنعتی - اقتصادی، بکار بستن هر نظریه یا تحلیل بدون اشراف کافی بر روند توسعه تاریخی اقتصاد و تحولات آن، ممکن است به نتایج گمراه‌کننده‌ای منجر شود. بنابراین، در مقاله حاضر، تحلیلی تاریخی از رشد صنعتی - اقتصادی ایران با توجه به نقش تجارت خارجی، در مقاطع زمانی مختلف ارائه شده است.

این مقاله، در قالب یک مطالعه تحلیلی - توصیفی به بسیاری از سؤالات از قبیل سؤالات ذیل پاسخ خواهد داد:

۱. رشد صنعتی ایران در جریان تحولات تاریخی اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی، چه روندی را طی نموده است؟

۲. کارکرد استراتژیهای تجاری در روند تاریخی رشد صنعتی کشور چگونه بوده است؟

۱. دوره قبل از ملی شدن صنعت نفت

اقتصاد ایران در روند توسعه تاریخی خود، شاهد تحولات بزرگی بوده است. در همین راستا، رشد اقتصادی ایران در قرن نوزدهم متأثر از عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی، حجم محدود مبادلات بین‌المللی، عدم پویایی سیاسی و سلطه روزافزون سیاست‌های استعماری کشورهای غربی و اقمار آنها بر روابط و مبادلات اقتصادی و تجاری ایران بوده است. مجموع عوامل فوق باعث گردید که وابستگی اقتصادی تشدید شده و عوارض خود را به صورت کسری تراز بازرگانی کشور نشان دهد. جبران این کسری با خروج بی‌رویه طلا و نقره و سپس سیاست صدور نفت خام از کشور صورت می‌گرفت.

در این دوره، واردات کالاهای ساخته شده غربی، ورشکستگی پیشه‌وران ایرانی را به دنبال داشته و بدین‌سان رشد اقتصادی و صنعتی کشور را بیش از پیش محدود کرده است. به خاطر همین مسئله است که تجربه تاریخی ما در دوران قاجار مؤید وجود یک استراتژی است که قلمرو آن درهای باز به روی واردات همه کشورها، به ویژه انگلستان و روسیه، و انواع دشواریها در زمینه صادرات (حتی صدور مواد کشاورزی و اولیه) می‌باشد^۱. بدین ترتیب، با توجه به ترکیب تجارت خارجی، می‌توان تغییر جهت ایران را به سمت تولید و صدور مواد خام و ورود کالاهای فراورده، در آستانه قرن بیستم و پس از آن، مشاهده

۱. محمد سعید نوری ناوینی، "شناخت استراتژیهای توسعه"، مجله کیمیا، شماره ۷، تهران، ۱۳۶۹

کرد.

پس از انقلاب مشروطه، صادرات عمدتاً به روسیه وابسته بود که پس از وقوع انقلاب اکتبر در این کشور، شدیداً با بحران روبه‌رو شد. پس از این واقعه، صدور کالاهای ایران به انگلیس و هند معطوف می‌شود. همچنین در این سالها مبدأ اکثر واردات ایران، روسیه، انگلیس و هندوستان بود.

پس از به حکومت رسیدن رضاخان، به علت پی آمدهای ناشی از بحران بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول و کاهش ارزش نقره، صادرات ایران به نصف واردات کاهش یافت. در سال ۱۳۰۸ با توجه به کاهش ارزش نقره، قانونی مبتنی بر نظارت ارز به وجود آمد که صدور طلا و نقره را ممنوع اعلام کرد. همچنین، در سال ۱۳۱۰ اداره کل تجارت تأسیس و سپس به وزارت بازرگانی تبدیل شد و توانست تأثیر محسوسی بر صادرات کشور برجای گذارد. نتایج عمده حاصل از سیاستهای بازرگانی پیش از اشغال ایران عبارت بودند از: ایجاد موازنه بازرگانی در کشور، اتخاذ روشهای پایاپای، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان، کنترل واردات به منظور جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی. پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، به دلایل خاص زمان که عمدتاً ناشی از جنگ جهانی دوم بود، ذخایر کشور افزایش یافت. عمده‌ترین عامل این افزایش، کاهش مصرف ارز و نیاز قوای متفقین به ریال برای خریدهای داخلی بود. در همین حال، صادرات به شدت کاهش یافته و تنها صدور نفت و برنج افزایش پیدا کرد.

به طور کلی، در فاصله میان اشغال ایران تا ملی شدن صنعت نفت، در حالی که کشورهای جهان مقررات شدیدی برای نظارت بر واردات خود برقرار کرده بودند، دولتهای وقت ایران برخلاف شرایط جهانی، سیاست آزادی تجارت خارجی را مطرح کرده و ذخایر خارجی به دست آمده را صرف واردات کالاهای مصرفی و تجملی نمودند.

۲. دوره ملی شدن صنعت نفت تا پایان برنامه دوم عمرانی

پس از ملی شدن صنعت نفت، دولت وقت به دلیل کاهش صادرات نفت در سال ۱۳۳۰ و عدم دریافت حق‌الامتياز از شرکت نفت سابق ایران و انگلیس، در مضیقه ارزی قرار گرفت، ولی با سیاست افزایش بهای گواهینامه‌های ارزی و کاهش واردات و همچنین گسترش سیاست قراردادهای پایاپای، موفق شد قسمتی از کمبود ارز خود را جبران نماید. سپس در آذر همان سال، اخذ گواهینامه‌های ارزی به بازار آزاد محول شد که در حقیقت با این سیاست برای اولین بار در طول تاریخ کشور، واردات تابع صادرات

شد، که این حمایت شدید و اصولی صادرات در مقابل واردات تا اوایل سال ۱۳۳۲ ادامه یافت. در تیر ماه ۱۳۳۲ خرید و فروش گواهینامه‌های ارزی در اختیار انحصاری بانک ملی قرار گرفت و مقرر شد که نرخ آنها به تدریج کاهش یابد. سیاست حمایت از صادرات تا سال ۱۳۳۲ ادامه و پس از آن به شدت تضعیف گردید.

رشد صادرات ایران در دوران فوق کاملاً محسوس است، به طوری که صادرات غیرنفتی از ۴۳۹۱ میلیون ریال در سال ۱۳۳۰ به ۸۴۲۶ میلیون ریال در سال ۱۳۳۲ بالغ می‌گردد^۲ و جالب توجه است که صادرات نفت در سالهای ۳۲ - ۱۳۳۱ به علت تحریم غرب در پی ملی شدن صنعت نفت، کاملاً ناچیز بوده است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، همزمان با برنامه‌های افزایش صادرات نفت، واردات نیز روبه افزایش گذاشت و از سال ۱۳۳۵ رشد آن بسیار پر شتاب گشت. صادرات غیرنفتی نیز به دلیل ادامه آثار سیاستهای تشویقی قبل از کودتا، به بیش از ۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۳ بالغ شد. در سالهای بعد به علت اتکای بیشتر به عواید نفتی و طبیعتاً عدم توجه به سیاستهای یاد شده صادرات غیرنفتی کشور به شدت کاهش یافت. تا قبل از پایان دهه ۱۳۳۰، کنترل‌های ارزی محدودی در کشور اعمال شد و فقط در سال ۱۳۳۵ تقلیل ارزش ریال رسمیت یافت و طی آن نرخ خرید دلار ۷۶/۵ ریال تعیین شد^۳.

به طور کلی، در فاصله سالهای ۴۱ - ۱۳۲۸ دو برنامه عمرانی ۷ ساله تصویب شد، که اولین برنامه به علت عوارض ناشی از ملی شدن صنعت نفت عملاً اجرا نشد، و دومین برنامه نیز با همان اهداف برنامه اول اجرا شد. یکی از اهداف این دو برنامه، افزایش تولید و بهبود و افزایش صادرات بود. ولی چنانکه قبلاً ذکر گردید، افزایش صادرات غیرنفتی در سالهای ۳۳ - ۱۳۳۲ در حد اکثر خود قرار داشت، که ارتباط مستقیمی با رفع بحران مالی ناشی از ملی شدن صنعت نفت داشت. به این ترتیب، به لحاظ مالی، برنامه دوم وابستگی شدیدی به عایدات نفتی داشت.

همچنین، در این دوره واردات کالاهای سرمایه‌ای از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. به ترتیبی که سالانه حدود ۳۵ درصد افزایش داشته است^۴. شایان ذکر است که در نیمه دوم این برنامه، کشور از یک رونق اقتصادی برخوردار شد، ولی به علت اتمام ذخایر خارجی در انتهای برنامه، اقتصاد تقریباً در

۲. ج. باری‌بر، اقتصاد ایران، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲

۳. مآخذ پیشین، ص ۱۷۷

۴. سازمان برنامه و بودجه، برنامه دوم عمرانی ایران، ص ۱۸

رکود کامل قرار گرفت.

۳. برنامه سوم عمرانی

اجرای برنامه سوم عمرانی کشور (۴۶ - ۱۳۴۲) در حقیقت، آغاز مرحله نوین صنعتی شدن کشور با تکیه بر جایگزینی واردات می‌باشد. در این برنامه، هدف رشد اقتصادی ۶ درصد در نظر گرفته شد (در حالی که متوسط عملکرد ۴ درصد بود)، و هدف بهبود و افزایش صادرات - که در دو برنامه قبل مدنظر بود - در میان اهداف این برنامه به چشم نمی‌خورد. طی این برنامه، تنوع روزافزونی در کالاهای تولیدی بخش خصوصی صنایع حاصل شد و راه برای صدور محصولات صنعتی هموار گردید. رویهمرفته، رشد متوسط سالانه بخش صنعت با وجود دو سال رکود اقتصادی، بیش از ۱۲ درصد بود.

در پی اصلاحات کشاورزی، با اتکا به درآمدهای نفتی، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از ۱۶/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۴ به ۲۳/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ بالغ شد. خصلت مونتاژ صنایع ایجاد شده، ایجاب می‌کرد که سهم کالاهای واسطه‌ای در کل واردات بیشتر از گذشته افزایش یابد، به همین لحاظ این نوع کالاها بیشترین سهم را در میان کالاهای وارداتی دوره یاد شده دارا بوده‌اند؛ به طوری که این سهم حداقل ۵۰ درصد در سال ۱۳۴۳ بوده است.

۴. برنامه چهارم عمرانی

برنامه عمرانی چهارم (۵۱ - ۱۳۴۷) با تأکید مجدد بر جایگزینی واردات و ادامه آن در جهت صنعتی کردن کشور به اجرا درآمد. در این برنامه رشد متوسط سالیانه ۹ درصد برای تولید ناخالص ملی در نظر گرفته شد و از جمله اهداف آن، تنوع در کالاهای صادراتی کشور و گسترش بازارهای آن می‌باشد. اتکای مالی این برنامه همانند برنامه‌های پیشین به طور عمده بر درآمد نفتی قرار داشته است.

طی این برنامه، در بخش صنعت ۲۷۱ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری گردید که ۱۶۴ میلیارد از آن متعلق به بخش خصوصی می‌باشد. صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات، ذوب فلزات و صنایع کانی غیر فلزی موضوع فعالیت بخش خصوصی بوده، در حالی که صنایعی سرمایه‌بر نظیر ذوب آهن، ماشین‌سازی، ذوب آلومینیم توسط دولت و سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد گردید^۵. اهمیت بخش خصوصی در این میان بسیار

۵. سازمان برنامه و بودجه، برنامه چهارم عمرانی کشور

مهم است، زیرا جایگزینی واردات از طریق تولید کالاهای مصرفی با دوام، بطور عمده بر عهده بخش خصوصی نهاده شد، که از کمکهای مالی فراوان و حمایت غیر مستقیم دولت برخوردار بود.^۶

رشد متوسط تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت طی دوره برنامه عمرانی چهارم به حدود ۱۲/۷ درصد بالغ شد. به رغم هدف برنامه جهت تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، در انتهای برنامه بالغ بر ۷۲ درصد صادرات غیر نفتی کشور را کالاهای کشاورزی و صنعتی تشکیل می داد.

۵. برنامه پنجم عمرانی

برنامه پنجم عمرانی کشور، در شرایطی آغاز شد که برخوردار از اثرات مثبت فعالیتهای برنامه پیشین و ظهور حالت انبساطی تازه در اقتصاد کشور بود. کاربرد سرمایه های عظیم در بخش های عمده زیربنایی، کشاورزی و صنایع و سرعت در انجام پروژه ها و طرح های مختلف در بخش های عمومی و خصوصی که منابع مالی آن ناشی از درآمد نفت و افزایش وام های داخلی و خارجی و نیز مشارکت فعالانه سرمایه گذاری خصوصی در این راه بود، رشد سریعتری را در این برنامه نوید می داد. شروع این برنامه مصادف با افزایش سریع قیمت های نفت و به تبع آن تحوّل عظیم در اقتصاد جهانی و کشور بود. به دنبال این تحول، تجدیدنظرهای اساسی در برنامه مصوب به عمل آمد و با توجه به منابع مالی جدید، تغییراتی در اعتبارات به وجود آمد.

در این برنامه، نرخ رشد سالانه برای تولید ناخالص ملی ۲۵/۹ درصد مدنظر قرار گرفت. و از جمله اهداف آن ایجاد صنایع تازه و توسعه صنایع موجود براساس "مزیت نسبی" و افزایش صادرات صنعتی بود. بدین ترتیب، برای اولین بار، جهت گیری صادراتی در دستور کار برنامه ریزی کشور قرار می گیرد و بر این اساس "مرکز توسعه صادرات ایران" به منظور تشویق و توسعه صادرات کشور تأسیس می شود.

عملکرد برنامه در هدف رشد اقتصادی به میزانی حدود ۹ درصد افزایش در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت (در مقابل ۲۵/۹ درصد هدف برنامه) بوده است. در زمینه روند صنعتی شدن کشور تحت استراتژی جایگزینی واردات، این برنامه به دو دوره قابل تفکیک است. دوره اول تا قبل از افزایش قیمت در سال ۱۳۵۲ می باشد، که روند صنعتی شدن در ادامه برنامه چهارم است. دوره دوم که پس از افزایش قیمت نفت می باشد، فعالیت های دولت در جهت اتمام طرح های قبلی و گسترش صنایعی نظیر فولاد و

پتروشیمی معطوف می‌شود و در عین حال فعالیت بخش خصوصی در جهت صنایع مصرفی و موتور رشد زیادی می‌یابد. جدول شماره (۱)، ساختار تولیدات صنعتی را در این برنامه بر حسب تولیدات آن نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول نیز مشهود است، سهم صنایع مصرفی در کل از ۵۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۴۰/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته و در ازای آن سهم صنایع واسطه‌ای در کل افزایش یافته است. در این تقسیم‌بندی باید توجه داشت که چون صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی با دوام در این طبقه‌بندی از جمله صنایع سرمایه‌ای به حساب آمده است، لذا در مورد این طبقه از صنایع بایستی محتاطانه برخورد شود. زیرا این امر توان تولید صنایع سرمایه‌ای کشور را بیش از حد واقعی آن نشان می‌دهد.

با توجه به هدف برنامه در گسترش صادرات صنعتی، سهم این صادرات در کل صادرات غیرنفتی کشور از ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۲۱/۸ درصد در سال ۱۳۵۶ و به ۳۰ درصد در سال ۱۳۵۷، بالغ شد. در سال ۱۳۵۳ بیشترین حجم صادرات صنعتی برابر با ۱۶۳/۱ میلیون دلار در میان صادرات غیرنفتی وجود داشت. همچنین صادرات غیرنفتی در طی برنامه هرگز از ۶۳۴/۷ میلیون دلار (اولین سال برنامه) فراتر نرفت و حتی در بیشتر سالهای برنامه، روندی کاهشی نیز داشته است.

جدول ۱- تغییرات ترکیب تولید در بخش صنعت کشور از نظر ارزشی افزوده (درصد)

| سال | ۱۳۵۲ | ۱۳۵۳ | ۱۳۵۴ | ۱۳۵۵ |
|------------------------|------|------|------|------|
| صنایع مصرفی | ۵۰/۹ | ۴۲/۳ | ۴۰/۶ | ۴۰/۱ |
| صنایع واسطه‌ای | ۲۸/۱ | ۳۵/۶ | ۴۱/۲ | ۳۲/۳ |
| صنایع سرمایه‌ای بادوام | ۲۰/۸ | ۲۰/۹ | ۱۷/۸ | ۲۷/۳ |
| متفرقه | ۰/۲ | ۰/۲ | ۰/۲ | ۰/۲ |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف

همانطور که عنوان شد تشویق صادرات صنعتی، از اهداف اولیه برنامه بوده است. در این راستا دولت جهت انگیزش صادرات صنعتی، اخذ گواهینامه‌های ارزی جهت واردات اقلام ضروری برای بسیاری از صنایع را منوط به صدور بخشی از تولیدات این صنایع نمود. با این تصمیم به همراه برخی مشوقهای دیگر،

انگیزه‌های لازم جهت صدور کالاهای صنعتی فراهم آمد. چنانچه تشویق‌های دولت در مورد صادرات صورت نمی‌گرفت، به دلیل هزینه بالای آنها برحسب هزینه منابع داخلی (D.R.C)^۷، صدور محصولات صنعتی امکان‌پذیر نمی‌شد.

نتیجه مطالعه‌ای در مورد ۷ صنعت صادراتی کشور که در سال ۱۳۵۵، ۷۵ درصد از صادرات صنعتی کشور را تأمین می‌کردند، نشان می‌دهد که هزینه اجتماعی به دست آوردن یک واحد ارز خارجی بطور متوسط (وزنی) ۲۰ درصد از ارزش اجتماعی آن بالاتر بوده است.^۸

با بررسی روند واردات در طی برنامه پنجم، مشاهده می‌شود که تقاضا برای واردات، به دنبال افزایش درآمدهای نفتی و با وقفه‌هایی چند ساله افزایش یافته است. افزایش تقاضا برای واردات، به دنبال تزریق به اقتصاد توسط مکانیزم مخارج بخش عمومی و به صورت سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف، از دو طریق به دست آمده است:

۱. تقاضای مستقیم برای واردات وسایل و تجهیزات برای صنایع جدید.

۲. افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی. به لحاظ اینکه در این دوره با افزایش درآمد سرانه، قدرت خرید افزایش یافته و با توجه به توزیع درآمد به نفع بخش شهرنشین و گروههای درآمدی بالا، تقاضا هم برای تولیدات داخلی و هم برای واردات افزایش یافته است، احتمالاً میل نهایی به واردات نیز بدون تغییر باقی نمانده است.

جدول شماره (۲) واردات را بر حسب گروههای عمده آن در ارتباط با درآمدهای نفتی طی دوره فوق نشان می‌دهد و همانطور که در جدول مشخص است، طی دوره یاد شده سهم کالاهای واسطه‌ای در کل واردات کاهش یافته و سهم کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی افزایش یافته است و در مجموع کالاهای مصرفی کمترین سهم را داشته است.

جهت ارزیابی نتیجه سیاست جایگزینی واردات دربرآورده کردن هدف تولید داخلی به جای واردات، جدول شماره (۳) سهم واردات در عرضه کل طبقات مختلف کالاهای صنعتی را نشان می‌دهد.

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، در برنامه پنجم، افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۳۵۲، منجر به رشد حجم نقدینگی و افزایش تقاضای مؤثر شده و به همراه سیاست جایگزینی واردات، افزایش تولیدات

7. Domestic Resource Cost

8. M. H., Tizhoosh - Taban, Protection and The Cost of Protection, A Case Study for Iran, Lancaster Univ., May, 1980

صنعتی را به دنبال داشته است. ولی، همانگونه که در جدول شماره (۳) مشهود است، روند مربوطه، نشان‌دهنده سهم بیشتر کالاهای وارداتی در کل عرضه کالاهای هر سه گروه می‌باشد. از روند فوق می‌توان چنین استنباط نمود که صنایع ایران حتی در اولین مرحله از جایگزینی واردات (تأمین کالاهای مصرفی) به تکامل نرسیده‌اند. به عبارت دیگر نه تنها وابستگی به واردات کاهش نیافته، بلکه تشدید نیز شده است. علت این امر ناشی از دو عامل مهم می‌باشد. اولین عامل مربوط به تحولات برنامه پنجم و نقش افزایش درآمدهای نفتی است. دوم، چگونگی شکل‌گیری صنعت کشور در هدف جایگزینی واردات می‌باشد، بطوری که عنوان می‌شود که توسعه صنایع ایران، به دلیل اتکای بیش از حد آن به منابع مالی نفت، هیچگاه توسعه عمودی و در اتصال با یکدیگر پیدا نکرده و بدین ترتیب نقش صنایع در تأمین نیازهای نهادهای برای یکدیگر، در حداقل قرار دارد. وجود این حالت، وابستگی فن‌آوری را دامن زده و مانع از درونزا شدن عامل فن‌آوری در صنایع می‌باشد. علاوه بر آن، صرفه‌جوییهای حاصل از مقیاس بزرگ اقتصادی در اثر گسترش صنایع را نمی‌توان برقرار دانست.

جدول ۲- درآمدهای نفتی، واردات و ترکیب آن (میلیون دلار)

| سال | صادرات نفت | کل واردات | سهم کالاهای مصرفی (درصد) | سهم کالاهای واسطه‌ای (درصد) | سهم کالاهای سرمایه‌ای (درصد) |
|------|------------|-----------|--------------------------|-----------------------------|------------------------------|
| ۱۳۵۲ | ۵۰۷۳ | ۳۷۳۷ | ۱۲/۲ | ۶۴/۸ | ۲۳ |
| ۱۳۵۳ | ۱۸۶۷۲ | ۶۶۱۴ | ۱۴ | ۶۶/۴ | ۱۹/۶ |
| ۱۳۵۴ | ۱۹۰۵۴ | ۱۱۶۹۶ | ۱۵ | ۵۴/۵ | ۳۰/۵ |
| ۱۳۵۵ | ۲۰۶۷۰/۷ | ۱۲۷۶۶ | ۱۵ | ۵۴/۵ | ۳۰/۵ |
| ۱۳۵۶ | ۲۰۷۱۳/۵ | ۱۴۶۲۶ | ۱۸/۴ | ۵۴/۱ | ۲۷/۵ |
| ۱۳۵۷ | ۱۷۸۶۷/۱ | ۱۰۳۷۲ | ۱۹/۲ | ۵۲/۲ | ۲۸/۲ |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف

علاوه بر موارد پیش‌گفته، تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار سیستم حمایتی در جهت حمایت از صنایع جایگزین واردات در کشور، منجر به افزایش هزینه منابع داخلی، عدم تخصیص بهینه منابع و نهایتاً ارزش

افزوده منفی در صنایع می‌باشد.^۹ سیاست حمایت از صنایع داخلی در ایران به نحوی بوده است که منابع به هیچوجه به صورت کارا تخصیص نیافته‌اند و هزینه‌های اجتماعی سیاستهای مزبور بسیار زیاد بوده است. به طور کلی، فرایند صنعتی شدن در قبل از انقلاب، هر چند اقتصاد ایران را به وضعیتی مدرن‌تر از پیش رهنمون ساخت، ولی با خصوصیات نامطلوبی بر اقتصاد بر جای گذاشت. سرمایه‌بر بودن اکثر صنایع، وابستگی به فن‌آوری پیشرفته و متخصصان خارجی و نهادهای وارداتی و دیگر مسایل مطرح شده، از جمله این خصوصیات می‌باشند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که استراتژی جایگزینی واردات در دو دهه ۱۳۴۰ و مخصوصاً ۱۳۵۰ در مراحل ابتدایی، بدون تکامل باقی مانده است و آنچه از این دوران باقی مانده به صورت صنعت مونتاژ و وابسته، کشاورزی و خدمات ناکارآمد می‌باشد.

جدول ۳- سهم واردات در عرضه ترکیب محصولات صنعتی (درصد) برای سالهای
(۱۳۴۹-۵۴)

| سال | ۱۳۴۹ | ۱۳۵۰ | ۱۳۵۱ | ۱۳۵۲ | ۱۳۵۳ | ۱۳۵۴ |
|-----------|------|------|------|------|------|------|
| سرمایه‌ای | ۵۴/۳ | ۵۶/۸ | ۵۴ | ۴۸/۹ | ۴۸/۳ | ۵۷/۳ |
| واسطه‌ای | ۶۱/۷ | ۵۶/۷ | ۵۴/۸ | ۶۲/۵ | ۵۹/۶ | ۷۷/۶ |
| مصرفی | ۶/۹ | ۷/۲ | ۸/۶ | ۹/۹ | ۱۶/۱ | ۲۵/۳ |
| کل | ۳۳/۶ | ۳۵/۳ | ۳۶/۶ | ۳۹/۷ | ۴۱/۷ | ۴۷/۵ |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف

۶. دوره پس از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۶۷ - ۱۳۵۸)

وقوع انقلاب اسلامی، منجر به تحولی عظیم در ساختار اقتصادی کشور شد. در بخش صنعت از یک طرف شرایط اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی، فرار سرمایه‌داران و انتقال بخش بزرگی از سرمایه آنها به خارج از کشور، بدهیهای کلان شرکتها و کارخانجات به سیستم بانکی و از طرف دیگر خصایص نامطلوب بافت صنایع کشور که در قسمتهای قبل به آن اشاره شد، منجر به رکود در بخش صنعت شد. با توجه به این

۹. احمد شاهرکنی، ارزش افزوده صنعتی، تحلیلی ایستا بر زیان تولید در صنعت اتومبیل ایران، اقتصاد و مدیریت، شماره ۷، ۱۳۴۹

وضعیت جهت رونق صنایع کشور و جلوگیری از رکود کامل آن، بخش عمده‌ای از صنایع کشور تحت پوشش دولت قرار گرفت. در کنار آن، سیستم بانکی کشور که با خطر ورشکستگی مواجه بود، نیز ملی اعلام گردید. همچنین جهت کاهش وابستگی به خارج، بازرگانی خارجی نیز به عهده دولت گذارده شد. بدین ترتیب، در این دوره مواجه با نقش و دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می‌باشیم.

وقوع جنگ تحمیلی و ادامه آن تا نیمه سال ۱۳۶۷، تحریم اقتصادی غرب علیه ایران، کاهش بهای نفت در ۱۳۶۳ و به تبع آن کاهش در درآمدهای ارزی، از مهمترین عوامل موثر بر رشد صنعتی کشور می‌باشند. این عوامل از جمله عواملی محسوب می‌شوند که به طور یرونزا بر رشد صنعت مؤثر بوده‌اند. به طور کلی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط حاکم بر اقتصاد به گونه‌ای بوده است که مانع از اتخاذ یک راهبرد توسعه گردیده است. در زمینه صنعت، گرایش دولت بیشتر به سمت تکمیل و ایجاد صنایع سنگین و اساسی بوده است. همچنین، تلاش عمده دولت در زمینه صنایع، معطوف به سرپا نگاهداشتن صنایع و جلوگیری از ورشکستگی آنها می‌باشد. در عین حال، مسایل عدیده دیگری نظیر مشکلات مدیریت و نیروی انسانی و کمبود ارز و به تبع آن کمبود عرضه مواد اولیه وارداتی صنایع، گریبانگیر صنایع کشور شد. این عوامل به همراه مسأله وابستگی صنایع، زمانی مشکل آفرین می‌شد که کشور به دلایل مختلف مواجه با کمبود انرژی می‌شد. طبق بررسی انجام گرفته در زمینه وابستگی صنایع در سال ۱۳۵۸، مشخص شد که میزان وابستگی کل صنایع کشور به مواد اولیه و قطعات یدکی به ترتیب برابر با ۵۶/۷ درصد و ۶۲/۶ درصد می‌باشد.

در زمینه تجارت خارجی، به طور کلی هدفها و سیاستهای ارزی و بازرگانی خارجی کشور مورد تجدیدنظر قرار گرفت. با توجه به هدف دولتی شدن تجارت خارجی، مراکز تهیه و توزیع کالاهای وارداتی تشکیل و عملاً نوع و میزان کالاهای وارداتی از طرف دولت مشخص می‌گردید. این امر به لحاظ اینکه حاکمیت مصرف کننده را محدود می‌گرداند، حایز اهمیت است. جدول شماره (۴) درآمدهای نفتی را در مقایسه با واردات و گروههای عمده آن نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول مشخص است، حجم کل واردات به تبع تغییر در درآمدهای نفتی، در حال تغییر است. همچنین سهم کالاهای واسطه‌ای همانند دوره‌های گذشته بیشترین سهم را از آن خود کرده است. در عین حال سهم کالاهای مصرفی در طول دوره، روندی روبه کاهش داشته و از ۲۶/۳۶ درصد در سال ۱۳۵۸ به حدود ۱۸ درصد در سال ۱۳۶۷ تقلیل می‌یابد و در عوض، سهم کالاهای واسطه‌ای روندی تقریباً افزایشی داشته است.

جدول ۴. درآمدهای نفتی، واردات و ترکیب آن طی سالهای دوره ۶۷-۱۳۵۸ (میلیارد دلار)

| سال | ۱۳۵۸ | ۱۳۵۹ | ۱۳۶۰ | ۱۳۶۱ | ۱۳۶۲ | ۱۳۶۳ | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۵ | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۷ |
|------------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|-------|-------|-------|
| صادرات نفت | ۱۹/۸۰۷ | ۱۳/۲۳۵ | ۱۰/۲۳۴ | ۱۸/۵۷۰ | ۱۹/۳۷۸ | ۱۲/۴۱۲ | ۱۳/۳۲۸ | ۸/۳۲۲ | ۱۱ | — |
| کل واردات | ۹/۶۹۵ | ۱۰/۸۴۴ | ۱۳/۵۱۵ | ۱۱/۸۴۵ | ۱۸/۱۰۳ | ۱۴/۴۹۴ | ۱۱/۴۰۸ | ۹/۳۵۵ | ۹/۳۱۹ | ۸/۱۷۷ |
| سهم کالاهای مصرفی (درصد) | ۲۶/۳۶ | ۲۶/۷۷ | ۲۲/۲۴ | ۲۲/۵۹ | ۱۶/۰۸ | ۱۵/۹۸ | ۱۳/۱۵ | ۱۸/۱۲ | ۱۴/۶۲ | ۱۸/۰۸ |
| سهم کالاهای واسطه‌ای (درصد) | ۵۳/۷ | ۵۶/۴۱ | ۶۰/۸۵ | ۵۷/۹۲ | ۵۹/۸۸ | ۵۷/۳۳ | ۶۶/۶۵ | ۵۸/۳۸ | ۶۵/۹۵ | ۵۹/۰۵ |
| سهم کالاهای سرمایه‌ای (درصد) | ۱۸/۹۴ | ۱۶/۸۱ | ۱۵/۹ | ۱۹/۴۹ | ۲۴/۰۴ | ۲۶/۶۸ | ۲۰/۱۹ | ۲۲/۵ | ۱۹/۴۲ | ۲۲/۸۶ |

منبع: ۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف

۲. سالنامه آماری بازرگانی خارجی کشور، سالهای مختلف



در زمینه صادرات غیرنفتی، در سال ۱۳۵۸ بانک مرکزی ضمن ملغی ساختن معافیت قبلی صادرکنندگان از سپردن پیمان ارزی، به منظور تشویق صادرات غیرنفتی کشور برای تأمین رشد صنعتی و کاهش وابستگی به درآمد حاصل از صدور نفت و همچنین جهت تقویت ذخایر ارزی کشور اقدام به برقراری نظام دو نرخ ارز نمود و بانکها مکلف گردیدند ارز صادراتی را با نرخ ترجیحی خریداری کنند. بدین ترتیب این امر سرآغاز دوره‌ای شد که به تبع تحولات و تنگناهای ارزی در کشور نرخهای جدید ارز با مقاصد متفاوت تعیین می‌شد. این چندگانگی نرخ ارز از یک طرف با هدف تشویق صادرات و از طرف دیگر جهت حمایت از صنایع تولیدی (ادامه سیاستهای حمایتی جایگزینی واردات) به وجود آمد. البته باید یادآور شد که علت اصلی به وجود آمدن این نظام همانطور که در قبل نیز گفته شد، ناشی از کمبود ارز است. به طور کلی، چنین تغییر حالتی در اقتصاد، نشان‌دهنده نقص در نظام قیمتها می‌باشد که این امر به عدم کارایی در اقتصاد منجر می‌شود.

چنانکه در قبل گفته شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، راهبرد مشخصی در زمینه توسعه کشور اتخاذ نگردیده است؛ ولی همواره تلاشهای نامنظمی از جانب دولت در جهت تشویق صادرات صورت گرفته است. این امر ناشی از دو دلیل است. ابتدا، حالت سرخوردگی از نتایج اعمال راهبرد جایگزینی واردات در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و مسأله وابستگی اقتصاد به خارج می‌باشد و علت دوم که اهمیت بیشتری به لحاظ کوتاه مدت در اقتصاد دارد، مسأله بحران ارزی به ویژه از سال ۱۳۶۴ به بعد می‌باشد. این حالت قابل مقایسه با دوران ملی شدن صنعت نفت می‌باشد. در هر یک از این دو دوره، تشویق صادرات نه به عنوان یک سیاست بلند مدت و تغییر ساختار اقتصادی، بلکه با هدف رهایی از بحران ارزی موجود صورت می‌گرفت.

ترکیب کالاهای صادراتی در این دوره بسیار مهم است. در مقایسه با دوره قبل از انقلاب، سهم کالاهای صنعتی در کل صادرات غیرنفتی کشور به شدت کاهش یافته است، بطوری که از ۳۰ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۹ کاهش یافته است و پس از آن طی یک روند ملایم به حداکثر ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۶۷ بالغ شده است. همچنین کالاهای سنتی و کشاورزی همانند دوره‌های گذشته بخش اعظم صادرات غیرنفتی کشور را شامل می‌شوند. جدول شماره (۵) صادرات غیرنفتی و سهم گروههای عمده آن را طی دوره (۶۷ - ۱۳۵۷) نشان می‌دهد.

جدول ۵- صادرات غیرنفتی و سهم ترکیبات آن برای سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۶۷ (میلیون دلار)

| سال | ۱۳۵۷ | ۱۳۵۸ | ۱۳۵۹ | ۱۳۶۰ | ۱۳۶۱ | ۱۳۶۲ | ۱۳۶۳ | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۵ | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۷ |
|----------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|------|-------|-------|------|
| صادرات غیرنفتی | ۵۴۲/۸ | ۸۱۱/۸ | ۱۳۵/۲ | ۳۴۹/۵ | ۷۸۳/۷ | ۲۵۶/۶ | ۲۶۱/۱ | ۳۶۵ | ۹۱۵/۵ | ۱۱۰/۸ | ۱۳۶۶ |
| سهم کالاهای سبزی (درصد) | ۱۵/۵ | ۵۰/۲ | ۱۵/۹ | ۱۵/۹ | ۲۲/۶ | ۷۵ | ۲۲/۹ | ۲۳/۷ | ۳۸/۹ | ۳۱/۵ | ۲۸/۶ |
| سهم کالاهای سنگین (درصد) | ۲۰ | ۲۸/۸ | ۲۷/۳ | ۵۰/۶ | ۶۹/۳ | ۶۳/۲ | ۵۶/۸ | ۵۵/۱ | ۳۶/۳ | ۳۲/۸ | ۳۲/۳ |
| سهم کالاهای شیمیایی (درصد) | ۲ | ۸/۶ | ۲/۷ | ۲/۹ | ۷/۵ | ۷/۳ | ۷/۶ | ۱۳/۸ | ۱۲ | ۱۱/۳ | ۱۲ |
| سهم کالاهای سایر (درصد) | ۲ | ۷/۵ | ۳ | ۱/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۱۰/۸ | ۶/۳ | ۲/۷ | ۲/۲ | ۲/۲ |

منابع: گزارش اقتصادی و برنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف



جهت ارزیابی موقعیت صادرات غیرنفتی (صادرات صنعتی) در اقتصاد، با بررسی سهم آن در تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت با توجه به جدول شماره (۶) مشخص می‌شود که سهم آن در تولید ناخالص مرتباً کاهش یافته ولی سهم آن در تولید ناخالص داخلی بدون نفت بیانگر روندی افزایشی بوده است. این در حالی است که سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی از حدود $۰/۲۶$ درصد در سال ۱۳۵۷ به حدود $۰/۴۵$ درصد در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته و طی دوره موردنظر، برای پنج سال اول با کاهش روبه‌رو بوده و در سال ۱۳۶۱ به کمترین میزان خود (در حدود $۰/۰۹$ درصد) رسیده است. ولی از سال ۱۳۶۲ به بعد مرتباً افزایش و سهم آن بیش از پیش محسوس‌تر شده است.

همچنین، سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت از روند مشابهی برخوردار بوده و از سال ۱۳۶۲ به بعد افزایش منظم و ملموسی را تجربه نموده است. این سهم، از حدود $۰/۲۷$ درصد در سال ۱۳۵۷ به حدود $۰/۱۱$ درصد در سال ۱۳۶۱ (حداقل آن) تنزل یافته و بالاخره در سال ۱۳۶۷ به حدود $۰/۵۶$ درصد افزایش یافته است. به طور کلی، با اینکه سهم صادرات صنعتی در GDP طی این دوره ناچیز می‌باشد، لیکن در شش سال انتهای دوره دارای رشد چشمگیری بوده است.

نکته قابل توجه، روند رشد صادرات غیرنفتی و صادرات محصولات صنعتی در مقابل رشد تولید ناخالص داخلی است، به طوری که بین سالهای ۶۷ - ۱۳۵۸ متوسط نرخهای رشد متغیرهای مذکور به ترتیب $۱۱/۲۶$ ، $۴/۸۵$ و $۱/۰۹$ درصد به قیمت‌های ثابت می‌باشد. به طوری که ملاحظه می‌گردد، رقم مربوط به نرخ رشد صادرات محصولات صنعتی، طی دوره یاد شده، قابل ملاحظه‌تر بوده و با متوسط سالانه $۴/۸۵$ درصد، از روند مطلوب‌تری برخوردار می‌باشد و در سالهای انتهای دوره مثبت و فزاینده بوده است.

جدول (۷) مقایسه رشد تولید ناخالص داخلی را با رشد صادرات غیرنفتی و محصولات صنعتی امکان‌پذیر می‌سازد. آنچه در این جدول مشهود است، بی‌ثباتی درآمدهای ارزی به ویژه صادرات نفتی می‌باشد. همچنین این عدم ثبات در گروه‌های مختلف کالاهای صادراتی صنعتی یکسان نمی‌باشد و بسته به موقعیت کالا و نیز وضعیت کشور در زمینه صادرات آنها، متفاوت می‌باشد.

جدول ۸- سهم صادرات صنعتی و کل صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (درصد)

| سال | ۱۳۵۷ | ۱۳۵۸ | ۱۳۵۹ | ۱۳۶۰ | ۱۳۶۱ | ۱۳۶۲ | ۱۳۶۳ | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۵ | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۷ |
|---|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی | ۰/۷۱ | ۰/۹ | ۰/۶۸ | ۰/۲۲ | ۰/۴۵ | ۰/۳۱ | ۰/۲۲ | ۰/۲۶ | ۰/۲۹ | ۰/۲۸ | ۰/۲ |
| سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی | ۰/۲۶ | ۰/۳۸ | ۰/۲۷ | ۰/۱۵ | ۰/۰۹ | ۰/۱۰ | ۰/۱۲ | ۰/۱۶ | ۰/۳۹ | ۰/۴۷ | ۰/۴۵ |
| سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت | ۲/۹۹ | ۳/۷۷ | ۲/۶ | ۰/۹۶ | ۰/۷۶ | ۰/۸۸ | ۰/۶۱ | ۰/۷۴ | ۱/۰۵ | ۰/۹۹ | ۰/۸ |
| سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت | ۰/۲۷ | ۰/۵۰ | ۰/۲۳ | ۰/۱۷ | ۰/۱۱ | ۰/۱۳ | ۰/۱۴ | ۰/۱۹ | ۰/۳۶ | ۰/۴۶ | ۰/۵۶ |

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف



جدول ۷. مقایسه نرخ رشد صادرات صنعتی با کل صادرات غیر نفتی و تولید ناخالص داخلی برای سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۸ (درصد)

| موسم | ۱۳۱۷ | ۱۳۱۶ | ۱۳۱۵ | ۱۳۱۴ | ۱۳۱۳ | ۱۳۱۲ | ۱۳۱۱ | ۱۳۱۰ | ۱۳۰۹ | ۱۳۰۸ | سال |
|------------------------------|--------|--------|--------|-------|--------|-------|--------|-------|--------|--------|-----|
| نرخ رشد تولید ناخالص داخلی | -۶/۲ | -۲/۰۸ | -۸/۵ | -۱/۳۷ | ۰/۰۲۲ | ۱۲/۰۵ | ۱/۵۲ | ۱/۵۱ | -۱۲/۰۸ | -۸/۶۵ | |
| نرخ رشد صادرات محصولات صنعتی | -۱۱/۴ | ۲۲/۲ | ۱۰۱/۶ | ۳۴/۳ | ۱۷/۲ | ۳۲/۶ | -۳۶/۵ | -۵۶/۸ | -۱۶/۶ | ۵۳/۴ | |
| نرخ رشد صادرات غیر نفتی | -۱۱/۲۶ | -۱۱/۸۸ | ۷۱/۷۴ | ۲۲/۵۷ | ۶/۵۱ | ۲۹/۸۹ | -۱۱/۸۵ | -۴۱/۲ | -۱۹/۵۴ | ۴۹/۵ | |
| نرخ رشد صادرات نفتی | -۱/۹۷ | - | -۴۲/۴۱ | ۶/۶۵ | -۳۶/۵۹ | ۴/۰۲ | ۸۴/۸ | -۲۱/۴ | -۳۲/۷۲ | -۱۲/۳۹ | |

منبع: سالنامه آماری کشور، آمارنامه پارکراس خاص ایران و گزارش اقتصادی و ترادیم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، برای سالهای مختلف



۷. دوره برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور (۷۲-۱۳۶۸)

در برنامه پنجساله اول توسعه بعد از انقلاب اسلامی (۷۲ - ۱۳۶۸) دولت با علم به اینکه تکیه بر صادرات نفتی، کشور را در مقابل مسایل و تهدیدات اقتصادی و سیاسی بین الملل آسیب پذیر نگه می‌دارد، به گسترش صادرات غیر نفتی پرداخت. به همین دلیل در طی این سالها به برنامه‌ریزی برای رشد صادرات پرداخت.

جدول شماره (۸) درآمدهای نفتی را در مقایسه با واردات و ترکیب آن طی سالهای (۷۲ - ۱۳۶۸) نشان می‌دهد. همچنانکه ملاحظه می‌شود، میزان واردات کشور طی برنامه اول توسعه تغییر یافته و از ۱۲/۸۰۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۲۰/۰۳۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ افزایش داشته و طی دوره با نوساناتی نیز همراه بوده است. اگر چه تغییرات حجم واردات کشور تا حدودی از نوسانات درآمدهای نفتی تبعیت می‌نماید، لیکن نسبت به سالهای قبل (بعد از انقلاب اسلامی تا ابتدای برنامه) این رویه از همبستگی کمتری برخوردار است. محصولات واسطه‌ای همچنان بیشترین سهم را در واردات کشور دارا می‌باشند و تقریباً دارای روند روبه رشدی می‌باشند. این در حالی است که روند سهم کالاهای مصرفی، کاهش یافته و طی دوره از افت چشمگیری برخوردار بوده، به طوری که از ۱۸/۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۱/۱۴ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است.

در زمینه صادرات نیز، چنانکه از جدول شماره (۹) ملاحظه می‌گردد، تحقق عملکرد نسبت به پیش‌بینی برنامه برای صادرات غیر نفتی سالانه به طور متوسط ۶۴/۸ درصد بوده، در حالی که این رقم برای صادرات نفتی به طور متوسط ۱۰۱/۲ درصد می‌باشد.

جدول شماره (۱۰) ترکیب صادرات غیر نفتی را به تفکیک صنعتی و غیر صنعتی نشان می‌دهد. کمترین درصد تحقق هدف برنامه اول توسعه در ترکیب صادرات غیر نفتی، مربوط به صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی بوده و بیشترین آن مربوط به صادرات محصولات کشاورزی و سنتی می‌باشد. درصد تحقق هدف متوسط سالانه برای صادرات صنعتی ۳۳/۰۲ و برای صادرات غیر صنعتی ۹۵/۷۶ درصد بوده است. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که کالاهای غیر صنعتی و کشاورزی و سنتی هم‌گام با برنامه در جهت رسیدن به اهداف برنامه پیش رفته‌اند. وابستگی فرایند تولید محصولات صنعتی به فن‌آوری و وارداتی و مواد اولیه وارداتی صنعتی، موجب شده است که بخش صنعت نسبت به پیامدهای سیاست‌گذاری ارزی و بازرگانی حساس بوده و کوچکترین تغییری در این سیاست منجر به ایجاد اختلال در این بخش گردد.

جدول ۸- درآمدهای نفتی و واردات و گروههای تشکیل دهنده آن طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸ (میلیارد دلار)

| | | | | | |
|--------|--------|--------|--------|--------|-------------------------------|
| ۱۳۷۲ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۰ | ۱۳۶۹ | ۱۳۶۸ | سال |
| ۱۳/۳۳۳ | ۱۶/۸۸۰ | ۱۶/۰۱۲ | ۱۷/۹۹۳ | ۱۲/۰۳۷ | صادرات نفت |
| ۲۰/۰۲۷ | ۲۹/۸۷۰ | ۲۹/۶۷۷ | ۱۸/۷۲۲ | ۱۲/۸۰۷ | کل واردات |
| ۱۱/۱۳ | ۱۱/۶۲ | ۱۱/۵۹ | ۱۲/۳۸ | ۱۸/۳ | سهام کالاهای مصرفی (درصد) |
| ۶۲/۷۲ | ۶۰/۹۱ | ۵۵/۰۱ | ۶۲/۳۲ | ۵۸/۹۳ | سهام کالاهای واسطه‌ای (درصد) |
| ۲۵/۲۸ | ۲۷/۵۰ | ۲۲/۴۰ | ۲۲/۳ | ۲۲/۷۶ | سهام کالاهای سرمایه‌ای (درصد) |

منبع: ۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سالهای مختلف

۲- سالنامه آماری بازرگانی خارجی کشور برای سالهای مختلف



جدول ۹- صادرات کشور به تکنیک صادرات نفتی و غیرنفتی طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸ (میلیون دلار)

| درصد تحقق | صادرات غیرنفتی | | صادرات نفت | | | سال |
|-----------|-----------------|--------|------------|-----------------|--------|------|
| | پیش-بینی برنامه | عملکرد | درصد تحقق | پیش-بینی برنامه | عملکرد | |
| ۶۰ | ۱۷۳۹/۵ | ۱۰۴۳/۸ | ۱۰۲/۶ | ۱۱۷۲۶ | ۱۲۰۳۷ | ۱۳۶۸ |
| ۵۵/۱ | ۲۲۸۳/۵ | ۱۳۱۲/۲ | ۱۳۱/۶ | ۱۴۷۱۳ | ۱۷۹۹۳ | ۱۳۶۹ |
| ۸۳/۱ | ۳۱۴۹/۶ | ۲۶۳۸/۷ | ۱۰۳/۷ | ۱۵۴۳۲ | ۱۶۰۱۲ | ۱۳۷۰ |
| ۶۵/۹ | ۴۲۴۷/۹ | ۲۸۰۰ | ۹۲/۷ | ۱۸۰۰۹ | ۱۶۸۸۰ | ۱۳۷۱ |
| ۵۹ | ۶۳۱۵/۵ | ۳۷۴۶/۸ | ۷۴/۷ | ۱۹۲۰۰ | ۱۴۳۳۳ | ۱۳۷۲ |

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، قانون و عملکرد برنامه اول توسعه کشور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

در سالهای اخیر با تغییر سیاستهای ارزی و در واقع افزایش نرخ ارز تخصیصی، صنایع با مشکلات خاصی از جمله مسایل مربوط به نقدینگی و تأمین مایحتاج خود مواجه شدند که آثار آن در تولید و صادرات آنها مشاهده می‌شود.

صادرات محصولات صنعتی کشور در طی سالهای اجرای برنامه اول بعد از انقلاب اسلامی، اقلامی از قبیل گوگرد، چدن، پودر لباسشویی، صابون، شمش مس، مس آندوکاتد، البسه، شیشه و محصولات شیشه‌ای و غیره بوده است.

در مجموع، رشد صادرات محصولات صنعتی از ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۲ به ترتیب ۳۷/۲، ۴۰/۱، ۴۲ و ۸۳/۱ درصد بوده است.

سهم صادرات محصولات صنعتی در کل صادرات غیرنفتی کشور از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ به ترتیب ۱۱/۱، ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۸/۶ درصد بوده است که پس از فرش و محصولات کشاورزی، سهم صادرات محصولات صنعتی در رتبه سوم قرار دارد.

صادرات محصولات صنعتی کشور عمدتاً در چهار بخش پتروشیمی، معادن و فلزات، صنایع سنگین و صنایع سبک قابل طبقه‌بندی می‌باشند. میزان صادرات پتروشیمی از ۱۱۳/۱۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۰ به ۱۲۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ و ۱۸۳/۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است. در این دوره صادرات بخش معادن و فلزات از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به ترتیب برابر با ۱۳۰، ۳۴۹/۴ و ۴۶۱/۵ میلیون دلار، صادرات صنایع سنگین ۱۴۱/۹، ۱۸۱/۱ و ۳۳ میلیون دلار و صنایع سبک ۳۳۷، ۴۰۰ و ۴۶۲ میلیون دلار بوده است.

بخش صنعت یکی از بخشهایی است که ارزی بسیار بالایی دارد. در مقابل ۸۷۳۳/۹ میلیون دلار ارزی بخش صنعت در سال ۱۳۷۰ و ۵۳۵۱/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱، میزان ارزآوری (حاصل از صادرات محصولات صنعتی) در این بخش ۶۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۰ و ۹۷۰/۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ بوده است. این مقایسه ضرورت توجه جدی به مسایل ارزی در بخش صنعت کشور را ایجاب می‌نماید.

تشویق صادرات و حمایت از رشد صنایع صادراتی کشور، حرکت مثبتی است که به بالا رفتن کیفیت تولید و رقابت صنعتی در داخل کشور و در سطوح بین‌المللی کمک می‌کند و با تأمین ارز از طریق برخی بازارهای خارجی به صورت ورود به آن بازارها و تثبیت حضور خود، به متنوع ساختن منابع اقتصادی

کشور و به تبع آن تنوع محصولات صنعتی کشور نیز می‌انجامد.

یکی از استراتژی‌هایی که دولت در رابطه با صادرات در طی برنامه پنجساله اول توسعه مورد توجه قرار داد، خودگردان شدن صنایع در تأمین ارز مورد نیاز از طریق صادرات بود. با این سیاست، دولت ضمن حمایت از صنایع داخلی، در واقع به فعال کردن بخش تجارت کشور نیز همت گماشت. با توجه به جدول شماره (۱۱) ملاحظه می‌شود که سهم صادرات محصولات صنعتی در کل صادرات غیرنفتی از ۱۱/۷۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۳۱/۸۱ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته و در طی دوره سالهای برنامه اول توسعه، با افزایش قابل توجهی توأم بوده و از یک روند افزایش طی دوره مذکور برخوردار بوده است. همانطوری که از جدول (۱۲) قابل ملاحظه است، سهم صادرات محصولات صنعتی در تولید ناخالص داخلی طی سالهای برنامه اول توسعه افزایش داشته و از ۰/۳۹ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲/۰۷ درصد در سال ۱۳۷۲ با افزایش همراه بوده و از یک روند افزایشی در طی دوره مذکور برخوردار می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱۰- صادرات محصولات صنعتی و صادرات غیرصنعتی طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸ (میلیون دلار)

| درصد تحقق | صادرات غیرصنعتی | | صادرات محصولات صنعتی | | | سال |
|-----------|-----------------|--------|----------------------|-----------------|--------|------|
| | پیش‌بینی برنامه | عملکرد | درصد تحقق | پیش‌بینی برنامه | عملکرد | |
| ۹۳ | ۹۹۰/۵ | ۲۹۱/۳ | ۱۶/۳ | ۷۴۹ | ۱۲۲/۶ | ۱۳۶۸ |
| ۷۹ | ۱۳۵۵/۵ | ۱۰۷۰/۳ | ۲۲/۵ | ۱۰۲۸ | ۲۴۱/۵ | ۱۳۶۹ |
| ۱۱۶/۲ | ۱۷۰۹/۶ | ۱۹۸۸/۷ | ۴۵/۸ | ۱۴۴۰ | ۶۶۰ | ۱۳۷۰ |
| ۹۱/۵ | ۲۲۰۳/۹ | ۲۰۱۶/۸ | ۳۷/۵ | ۲۰۴۳ | ۹۷۰/۹ | ۱۳۷۱ |
| ۹۹ | ۲۵۷۵/۵ | ۲۵۵۵/۱ | ۳۱/۹ | ۳۷۲۰ | ۱۱۹۱/۷ | ۱۳۷۲ |

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، قانون و عملکرد برنامه اول توسعه کشور



جدول ۱۱- صادرات غیرنفتی و سهم گروه‌های تشکیل‌دهنده آن طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸
(میلیون دلار - درصد)

| سال | ۱۳۶۸ | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ |
|----------------------------|--------|--------|--------|-------|--------|
| صادرات غیرنفتی | ۱۰۴۳/۸ | ۱۳۱۲/۲ | ۲۶۴۸/۷ | ۲۸۰۰ | ۳۷۴۶/۸ |
| سهم کالاهای صنعتی | ۱۱/۷۵ | ۱۸/۴۱ | ۲۴/۹۲ | ۳۰/۶۷ | ۳۱/۸۱ |
| سهم کالاهای کشاورزی و سنتی | ۸۵/۶۹ | ۷۹/۱۳ | ۷۳/۱۴ | ۶۸/۵۷ | ۶۷/۱۵ |
| سهم کلوخه‌های کانی و فلزی | ۲/۵۸ | ۲/۴۶ | ۱/۹۶ | ۰/۷۶ | ۱/۰۴ |

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سالهای مختلف

سهم صادرات محصولات صنعتی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز از یک روند صعودی برخوردار بوده و طی دوره یاد شده افزایشی برابر با ۲/۱ درصد داشته، به طوری که از ۰/۴۹ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲/۵۹ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است.

روند مربوط به سهم کل صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز افزایشی بوده و طی دوره مورد نظر مرتباً افزایش یافته است.

نکته قابل توجه دیگر آنکه سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت در مقایسه با دوره قبل از برنامه اول توسعه، ارقام ملموسی بوده است، بنحوی که تا حدودی نوسانات سهم کل صادرات غیرنفتی را پوشش داده و روند آن را یکنواخت‌تر و یکپارچه‌تر نموده است. به عبارت دیگر، طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸ صادرات محصولات صنعتی، افزایش خوبی داشته و در تجارت خارجی محصولات غیرنفتی کشور از جهش مثبتی برخوردار بوده است.

با مشاهده نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، صادرات غیرنفتی و صادرات محصولات صنعتی، ملاحظه می‌شود که طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ متوسط نرخهای رشد این متغیرها به ترتیب ۶/۶۱، ۰/۸، ۲۸/۰۸، ۴۸/۷۵ درصد می‌باشد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مثبت و از روندی کاهشی با نوسان برخوردار است. نرخ رشد صادرات غیرنفتی مثبت ولی روندی افزایشی و با نوسانات نامنظم سیکلی می‌باشد. این در



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی